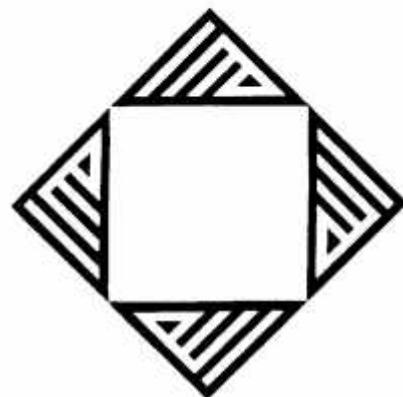


مطالعات مسلمی

دوفلکس اند ملی بروفسن



واژه به منابه ابزار تحلیل گفتمان قرآن*

دکتر مسید حسین سیدی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hosein_seyyedi@um.ac.ir

دکتر غلامرضا رئیسان

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: raeisan42@um.ac.ir

چکیده

قرآن پژوهان و مفسران مسلمان همگی در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأویل با تفسیر کتاب خداوند باید از واژگان آغاز گردد. واژه، نه تنها ابزار تحلیل گفتمان بلکه شکل دهنده نظام اندیشه‌گذاری ما نیز است. پس واژه تنها ابزاری برای بیان عقاید ما نیست بلکه به آن‌ها نیز شکل می‌دهد. واژه در قرآن کریم از جهان استواری برخوردار است که به تنهایی می‌تواند ابزار تحلیل گفتمان قرار گیرد. این نوشتار با بررسی واژگان کلیدی چون «الله»، «ایمان» و بررسی گریش نام در سوره‌های قرآن مثل سوره «ادخان» بر آن است که نشان دهد تنها از طریق این واژگان می‌توان هنر قرآنی یا متن سوره را تحلیل نمود.

کلید واژه‌ها: قرآن، واژه، گفتمان

در آمد

از تمام تعاریف و شرح و بسطهایی که از گفتمان صورت گرفته است و دیدگاه‌هایی که گفتمان را در حوزه سیاست، قدرت، جامعه شناسی، گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی و ادبیات به تدریج در می‌دانند لوحه در همه این‌ها منطقی است اینکه گفتمان چه در صورت شفاف و چه تکمیل (گفتار و متن) بر واحدی‌های استوار است و بنای آن یعنی گفتار و متن می‌تواند جمله باشد.

چنان‌که «علیل بتوئیست» زبان‌شناسی معروف گفتمان را در مقاله «ظام زبان» فرار می‌دهد و می‌گوید: «جمله، این مخلوق تعریف شده دارای توقعات بین پایان، همان گفتار اسان است که در هین عمل حیات می‌باشد» (علیل، ۱۱). به همین روش تحلیل گفتمان در چهار جوب زبان‌شناسی عمومی و کاربردی آن است که پیگوئه جملات در زبان گفتاری و نوشاتری و اسدی‌های معنادار گشته‌ای نظر پنداش، مفایل مخابه‌ها را تشکیل می‌دهند. با این‌باشد تحلیل گفتمانی در نهایت به موارد زیر مرمریوت من کشود:

- گزینش حروف تعریف، خسایر و زمان‌ها چگونه بر ساختار گفتمان تأثیر می‌کنند.
- رابطه بین پاره گفته‌ها در یک گفتمان.

۳- حرکت‌های ایجاد شده از سوی گوینده برای معرفی و ارائه حوصله جدید و تفسیر عنوان (بوزیری، ۱۹).

این از یک سو و از سوی دیگر می‌دانیم که ذات زبان پدیدار گری است. زبان «جهان» را در تمامی کلیت و جزئیتی برای ما گزارش می‌کند. زبان پدیدار می‌کند که بجزءها پیشنهاد و چگونه‌داند و تسبیت‌ها و جایگاه‌های جست، علم، اخلاق، فرهنگ، هنر، جامعه همه زاده زبانند و زبان است که تنها آنچه را به حس ظاهر در می‌پاییم می‌نامد و در دایره هستی می‌نمهد و اوجوده و امامحت؛ آنها را پدیدار می‌کند؛ بلکه آنچه را که بر حس ظاهر پدیدار شدنی نیست، پدیدار می‌کند. (توری، ۱۱-۱۳) به همین روش زبان‌شناخت انتقادی برآن‌الد تا تحلیلی از متن پدید آوردن و شناخت دهنده که «از دل گزینه‌های زبان‌شناختی در مقیاس تکوچک، پیام‌های ویژه‌ای سرایی کل متن پدید می‌آید» (علیل، ۱۷). در این رویکرد گزینش و ازگان، فعل معلوم، فعل مجهول و هر یکی می‌تواند کلیدهای برای فهم و تحلیل گفتمانی باشد. حلasse آنکه شمام رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان به زبان نگاه متابهی دارند. به عبارت دیگر، نقطه شروع رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پیاساختارگرا است، بعضی اینکه دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است، (بوزیری و هلپیس، ۲۹).

قرآن تکمیل را می‌توان هم به متابه گفتمان و هم متن بررسی کرد، در تحلیل گفتمان این توافق به پاره گفتمان‌ها، ترکیب‌ها و ازگان در متن پرداخت، آن‌ها گفتارها، ترکیب‌ها و ازگان را باید در آن شکه متعارض پیچیده، و منجم و ساحن یافته متن قرآن جست و جو تکمیل نداشت از پرداختن به اصل بحث باید بادetur شد که این توافق را توجه به مسئله تحلیل گفتمان به جایگاه وازه در تحلیل گفتمان پرداخته است.

بیشترین پژوهش

در متون تفسیری مسلمانان، مفسران همگی بر این اصل اتفاق نظر دارند که هرگونه تأویل یا تفسیر اساساً باید از وازه انداز گردد. مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان از همان اختصار توجه به معاشر این قرآن، عایت ویژه‌ای به وازه و نقش تعیین کننده آن در افاده معاشر در بالات اکثر متن قرآن تقدیم کردند. از جمله می‌توان به قاری چون «غريب القرآن»، «معانی القرآن»، «مجاز القرآن» و «الوجود» و «الظاهر» اشاره کرد. در دوران جدید و در حوزه بررسی زبان‌شناختی می‌توان به نلاش قرآن‌پژوهان زیر اشاره کرد که تکه اصلی آن‌ها در بافتن معاشر در متن قرآن بز وازه استوار بوده است. از جمله قرآن بز و زایی «توپیه‌کار ایزوستو» در دو اثر ارزشمند «حدا و انسان در قرآن» و «اساختمان معانی مفاهیم دلیل - اخلاقی در قرآن» دیگر محمد ازکون در کتاب «القرآن من التفسير الموروث الى الخطاب الديني» که به بررسی زبان‌شناختی در سوره خاتمه و کوچک پرداخته است و یا محمد شحرور در کتاب «الكتاب و القرآن: القراءة المعاصرة» همچنین محمد مفتاح در کتاب «دينامية المعن، تقطير و انجاز»

چه در گذشته و چه در دوران جدید پژوهش‌های قرآنی عموماً به بررسی وازه و تحلیل آن تکه کرده‌اند. علت این تکرش را می‌توان در این تکه بافت که قرآن تکمیل، مفهومه فکری و اندیشه‌گانی است که در بردارنده مفاهیم انتقادی، اخلاقی، سیاسی و... است و این مفهومه فکری بر مجموعه مفاهیم مبنی است که این مفاهیم به توبه خود بر اصطلاحاتی تکه دارد و این اصطلاحات غالباً به صورت وازه هستند. از طرفی تغییر در معنا و مفهوم این وازگان موجب تغییر در معنای آن مفهومه فکری نیز می‌گردد در استراتژی‌های حوت‌ش من از دو استراتژی اساسی سخن می‌رود: ۱- استراتژی افزایشی ۲- استراتژی کاهشی در سترانزی بحثت حرکت از جزوی به کلی یا از حاصل به هام است یعنی از حرف به سری تکمه و وازه

تا جمله و از جمله به متین، اما در حالت دوم از عدم آغاز و به سوی خاص و از کلی به سوی جزوی یا بین می‌اید (مفتاح، المفاسیم معلم، ۲۳۳). آنچه که این نوشته‌ای بر آن است، استراتژی نوع نوشت است. بدین معنا که در این رویکرده «واز» به متابه ایزار تحلیل گفتمان فرآن می‌شود. البته نگارنده از این نکته خالق نیست که آنچه دلالت «واز» را تعین می‌نماید. بافت (جزئی و کلی) است. اما وازگان در قرآن کریم از معنی‌ترین بخود دارد که خود می‌تواند ایزار تحلیل گفتمان واقع شوند.

وازه ایزار تحلیل گفتمان

در بررسی فقه المغری متون که به قصد مقایسه وازگان قاموس و تغیر و تحولات وازگان در خانوار از زبان بررسی می‌شوند هدف باز سازی تاریخچه زبان‌ها است و از طریق این تاریخچه، ارتباط زبانی آن‌ها تعین می‌شود (پالمر، ۲۲). در این روش که فقه اللغة نظری^۱ نام دارد و تغییرات تاریخی معنا مورده بررسی فرار می‌گیرد، آنچه در این حوزه مهم است اینکه وازه دارای معنایت و به واسطه قانون در زمانی^۲ دچار تغییر می‌شود. سخن در باب معناداری وازه میان زبان‌شناسان، معنائشناسان و فلاسفه زبان پسیار است به عبارت دیگر تعین معنا از مباحث عده آن‌ها بوده است. در این میان می‌توان از «فرکه» فلسفه زبان پساد کرد که دو عامل را در تعیین معنا دخیل می‌دانست «از نظر وی معنای نک و واژه‌های یک جمله (معنا شناسی وازگانی) و ساختار دستوری کلمات عامل ایجاد معنا می‌باشد» (نصری، ۲۲). در ضمن در حوزه بررسی فقه اللغة وازگان قرآن همچون دیگر متون شاید از مسئله معنای اصلی^۳ و معنای صفتی^۴ غفلت نموده (به این مسئله خواهیم پرداخت).

وازه نه تنها ایزار تحلیل گفتمان، بلکه شکل دهنده نظام اندیشه‌گانی ما نیز است. زبان‌شناسان برآن‌ند که جهان بینی ما تحت تأثیر زبان ماست و «زبان تنها وسیله ای برای بیان عقائد نیست بلکه «مشکل دهنده عقاید» است: بدین ترتیب ما جهان را آن چنان در گ من کنیم که زبان برای ما ترسیم می‌کنند» (پالمر، ۱۰۰). زبان، مدخلی است برای جهان بینی و جهان^۵ شگری آدمی. چنان که دیگرتسکی^۶ می‌گفت: «تفکر پسر نه فقط در قالب زبان، بلکه از طریق

^۱ comparative philology

^۲ synchronic

^۳ basic

^۴ connotation

زبان صورت می‌بدیرد و اصلًا تفکر، خود، تهویای درون است» (دیگرتسکی، ۱۹۰). اول از در قرآن کریم شهناز دکه خود ابرازی به رای تحلیل گفتمان قرآن و شکل دهنده جهان بینی آن است. اهمیت واز در قرآن و گفتمان قرآن مهم‌ترین جایگاه را دارد. این مسئله نه تنها در گزینش بین بدیر آن مطرح است بلکه در تولید معنایی که آن معنا در کلیت گفتمان قرآن نوش مهم اینجا منعاید نیز مهم است. به همین جهت بوده است که قرآن‌بزووهان به بررسی وازگان در قرآن برای دستیابی به معنا خاتمه ویژه‌ای داشته‌اند. قرآن‌بزووهان و مفسران مسلمان در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأثیر گذاری تفسیر کتاب خداوند باید از وازگان آغاز گردد. من گفتند: آنچه در آغاز بر مفسر لازم است آن وادر نظر داشته باشد، وازه شناسی است: چون گسب معانی وازگان قرآن برای آن کس که در بین معنای آن است از تحسین گنجینه‌های معنایت (از رکش، ۳۱۳/۲). از عصاچران هم «بنین الخلوی» در رویکرد بیان که به تفسیر داشته است، بررسی وازگان را از مسائل مهم و جلدی آن به حساب می‌آورد و می‌گویند: «بررسی و بزووهش در قرآن از بررسی وازگان آن آغاز می‌گردد» (۲۳۷).

چنان که گفته شد، وازه دارای دو معنای اصلی و ضمیم است. اما اگر بخواهیم در بررسی معنا در گفتمان قرآن به وازه تکیه تماییم، باید به معنایی ضمیم ساکاربردی وازه، در کلیت گفتمان قرآن توجه نماییم. به عبارت دیگر پس از بررسی ساخت قاموسی وازه باید به حوزه کاربردی آن در قرآن دقت تماییم و با این‌قدر حوزه‌های معنای آن در قرآن به تحلیل گفتمان قرآنی بپردازیم، منظور از معنای اصلی همان «قدر مشترک معنایت که به فهم تعریس منجر می‌شود و یا همان قدر مشترک از معنا که در فرهنگ لغت یافت می‌شود» (البس، ۱۰۶).

اما وازه نه تنها این معنا را ندارد بلکه در نظام معنایی و دستگاه معنایی دیگری می‌پاید که به آن معنایی ضمیم یا معنی بازیست کاربردی گویند. معنایی ضمیم «همان سایه‌های معنایت که بسته به تجربه و حالات افراد و بیوگری‌های روانی و اخلاقی آنها به وجود می‌اید» (البس). البته این عو معنا کمالاً از هم جدا نیستند، بلکه نایزی معنایی ضمیم آنها برقرار است به عبارت دیگر روابط و لبکه‌ها و بیوگرایی‌ها که میان معنای نوشت یعنی معنای اصلی و معنای ضمیم وجود دارد، موجب می‌شود تا در ساخت معنای نوشت تأثیر بگذارد و حتی آن را تغییر دهد. این معنای اصلی کلمه چیزی ذاتی و دروس خود کلمه است که یا آن کلمه به هر چه بود انتقال پیدا می‌کند و معنای ترسی بجزی است که دلالت ضمیم دارد و در آن به وجود آمدن وضع خاصی برای آن کلمه در زمینه‌ای خاص، به معنای اصلی افزوده می‌شود (ایرونس،

وازه «الله» در گفتمان قرآن اشاره می‌کند. واژگانی در قرآن وجود دارند که نقش واقعاً فطعی در ساختن جهان بینی تصوری قرآن دارند که به نام کلمات یا اصطلاحات کلیدی قرآن می‌نامیم» (۲۲)، از جمله این واژگان «الله، اسلام، ایمان، کافر، نبی، رسول... است از نظر او کلمه «الله» عالی ترین کلمه کاتوئی در واژگان قرآنی است که بر سراسر فلسفه آن قرآن‌روایی می‌کند و این جزوی جز سیمای معنا شناختی حقیقی نیست که معمولاً با گفتن اینکه جهان قرآن اصولاً خدا مرکزی است، (همان، ۳۲)، از نظر ایزوتسو روابط بین واژگان قرآنی در چارچوب نظام کلی مفهومی قرآن موجب می‌شود تا تگریش کلی قرآن کشف شود. از جمله واژگانی که او در این نظام کلی مفهومی در قرآن برای نسونه ذکر می‌کند واژه «ایمان» و «کفر» است که ایمان با واژگانی چون «اسلام، شکر، تصدیق، امه، تکلیف، عصیان، کفر» مرتبط است و یا واژه کفر با «الله، فتن، ضلال، ظلم، استکبار، شرک، عصیان و تکذیب» ارتباط دارد.

عنوان سوره مدخلی بر تحلیل گفتمان

عنوان سوره‌های قرآن عموماً از یک واژه ساخته شده‌اند - جز سوره آی عمران که در دو کلمه ترکیب شده است و یا سوره «ق» که یک حرف است- و این هنترین از گذشته سوره عنایت قرآن‌پژوهان قرار گرفته بود. از گذشگان می‌توان به برهان الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر در کتاب «نظم الدرر فی تاب الآی والسور» و پدر الدین ذرکش در کتاب «البرهان» اشاره کرد. این مطلب در نقد جدید نیر مطرح است که با نام «عنوان» یا «استانه متن»، از آن بحث می‌شود. ایزار زنت (۱۹۳۰) ناقد ساختارگرا در کتاب «الواح بار ایزوتسو» و رساله «در آمدی به فرون متن» به مناسبات و عواملی اشاره می‌کند که در پذیرش و دریافت معنای متن در فرآن، این وازگان به جهان بینی قرآن بی‌برد. همان جزوی که در معناشناسی به آن شیوه معنایی گفته می‌شود (همان)، در این روش، گفتمان قرآن همان مجموعه گفتمان واژگان است و برای تحلیل گفتمان می‌توان دو الگو در نظر گرفت که هر دو بر شکل گیری گفتمان‌های جزئی واژگان مبنی است. ۱- گفتمان واژه که در این الگو، واژگان، مرکز گفتمان قرار می‌گیرند و از طریق کشف روابط مفهومی با کلیت متن قرآن می‌توان به آن رسید. در این الگو باید به دو نکه توجه داشت: ۱- نخست اینکه واژه دلالت تحریدی داشته باشد؛ دوم اینکه در متن قرآن بارها به کار رفته باشد (الجاج، ۱۹۷)، ۲- لکوی دوم، گفتمان حوزه معنایی است. این الگو نوسط ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» به کار گرفته شده است ایزوتسو به

خدا و انسان در قرآن، (۲۵).

آخرین نکته درباره اهمیت واژه در تعیین و تبیین معنای این است که در فرآند گفتمان برخی عناصر زیبایی به تأثیر می‌روند که آن‌ها را مؤلفه‌های گفتمان می‌گویند. در این شیوه هم به تحلیل ادوات از جمله ادات تعريف، تکبیر و ظمایر و هم نظام فعلی، نظام اسمی، ساخته‌های تصوری و بالاخره ریسم و نظم در کلام توجه می‌شود منظور از مؤلفه‌های گفتمان همان «حروف، واژگان، فعل‌ها، اسم‌ها و ساخته‌های صرفی و نحوی» است. تمام این‌ها در شکل گیری گفتمان دخالت دارند. تمام این‌ها در قرآن به شیوه‌ای خاص به کار گرفته شده است که به قصد دستیابی به بهترین ساخت متن و ارسال معنا به خواننده یا شنونده و تأثیر گذاری سر اومست (ازکون، ۲۵).

تحلیل نمونه‌ها

اینک برای اینی ادعای فوق مبنی بر اینکه واژه ایزار تحلیل گفتمان است نمونه‌های در قرآن را تحلیل می‌کیم که صرفاً نظر از نایاب بافت و معانی تالیفی یا معانی محاذی و کنایی، خود ایزاری برای تحلیل گفتمان است. آنچه که در متن تفسیری و قرآن پژوهی از آن به وجود و نظایر یاد می‌شود، دانش است که بر واژگان تکیه دارد و می‌کوشد تا روابط بین گونه‌های مختلف این واژگان را کشف نماید. با آنچه که تحت عنوان «طریق القراءی» طرح می‌شده است، کشف رابطه بین واژگان پر اینکه قرآن بوده است. این پژوهش‌ها مایل‌دها تحول می‌باشد و نزد قرآن‌پژوهان «اصطلاح قرآنی» (حلیل) و «کلمات کلیدی» (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن) نام می‌گیرد. این واژگان کلیدی با کلیت متن ارتباط شکننده دارند که با کشف معنای این واژگان می‌توان به جهان بینی قرآن بی‌برد. همان جزوی که در معناشناسی به آن شیوه معنایی گفته می‌شود (همان)، در این روش، گفتمان قرآن همان مجموعه گفتمان واژگان است و برای تحلیل گفتمان می‌توان دو الگو در نظر گرفت که هر دو بر شکل گیری گفتمان‌های جزئی واژگان مبنی است. ۱- گفتمان واژه که در این الگو، واژگان، مرکز گفتمان قرار می‌گیرند و از طریق کشف روابط مفهومی با کلیت متن قرآن می‌توان به آن رسید. در این الگو باید به دو نکه توجه داشت: ۱- نخست اینکه واژه دلالت تحریدی داشته باشد؛ دوم اینکه در متن قرآن بارها به کار رفته باشد (الجاج، ۱۹۷)، ۲- لکوی دوم، گفتمان حوزه معنایی است. این الگو نوسط ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» به کار گرفته شده است ایزوتسو به

(همان، ۳۶۳)

مسئله پیرامونی را که زست مطرح گردید است می‌توان در گرینش نام کتاب نازل شده بر پایه‌بیر (ص) یعنی قرآن و نام سوره‌ها بجز مطرح نمود. لذا نام سوره‌ها می‌تواند حوزه‌های پیرای تأویل متن آن باشد. اگر این را هم پیدا کنیم که بیان زیان بر اسم استوار است (استواری، ۱۵) و بدایم که «اسم» کوتاه شده متن است و اسم هر جزیی متن است بین آن و معنای آن را اشکار می‌نماید و عنوان اجمالی است از تفصیل مطالب متى (پقاش، ۱۸)، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان هر سوره بمالک مقصود و مراد آن است (همان). با به این نظر فاصل بالشیم که رابطه عنوان با متن را متن را متن، رابطه تعریف معنایی و رمزی است و عنوان، اهمیت مطلب متن را می‌رساند. من توان گفت عنوان سوره‌ها به نوعی بمالک مطالب سوره است. او طرقی گزینش و ازگانی خاص در تأمکداری سوره‌ها بنا به عادت هرب یوده است که در سیاری از تأمکداری‌ها، نام‌ها را از امور نادر و شگفت‌الخواه می‌کرد. گاه نام برگرفته از صفتی خاص بود و گاه از یک جمله با قصیده این چنین است که نام‌های سوره‌های قرآن کریم مثل سوره بقره است چون ماجراهی گاو بنی اسرائیل در آن آمده است (زرکش، ۳۶۸/۱).

از نمونه‌های معنادار می‌توان به سوره «دخان» اشاره کرد. واژه «دخان» تنها یک بار در آیه (فارغ‌التفکیب یوم ثانی السماء بدخان) مذکور شده است. این آیه در آیات آغازین سوره آمده است و سوره درباره نزول قرآن در شبی مبارک که حکیمانه نازل شده است، و در آن از عذاب دردناک خبر می‌دهد که آسمان در آن روز به صورت دودی اشکار در می‌آید. از مطالب این سوره از تاریخ ادمام گذشته و فرجام کار آشنا سخن رفته است و از حقیقت بزرگی سخن می‌گوید که قریش آسمان‌ها و زمین، بیهوده نیست: (و ما خلقنا السموات والارض وما بهملا لا عبیین) (دخان/۳۸). آیه پایانی سوره چنین است: (فارغ‌التفکیب مرتفقون) (دخان/۵۹) که همان تهدید بیشگان است که در اینجا همان چشم دوختن به دود شدن آسمان است. چنان که ملاحظه می‌شود، نام سوره که روز آخرت و حساب‌رسی و عذاب است، مرکزیت کفستان سوره است، (الحج، ۲۱۵). نکته تأمل برانگیز اینکه واژه «دخان» فقط در دو آیه آمده است. یعنی در سوره دخان که پیش از گذشت و دیگری در سوره «الفصل» در آیه ایم استواری ایل السماء و هی دخان فقال لها وللأرض انتبا طوعاً أو كرها فالناس أليساً مطاعمين) (فصل، ۱۱). کلمه «دخان» در اینجا به آغاز قریش اشاره دارد. این واژه در سوره «الفصل» نیز با معنای سوره ارتباط دارد. تفصیل در اینجا یعنی تعین و تعریف و توضیح به عبارت دیگر

اشارة دارد به اینکه جهان در آغاز به صورت گاز بوده است (دخان) و سپس به مرحله روشن و اشکار رسیده است (تفصیل). این مرحله، مرحله پس از دود است. لذا سوره فصلت که از قریش (انتقال از حالت گازی به آسمان و زمین) (فصل/۱۱-۱۲)، تفصیل کتاب (اقران-تنزیل) با تفصیل آسمان و زمین همگنی دارد. چون تفصیل قریش پس از تفصیل کتاب آمده است (تنزیل من الرحمن الرحيم، کتاب فصلت ایانه قرآن‌آیه‌ی عربی‌القوم علمون) (فصل/۲-۳). جای است که این سوره در پیش‌بایانی به موضوع تفصیل می‌پردازد که در آغاز سوره از آن سخن گفته است: (ولو جعلنا فرآن‌آیه‌ی عجمیاً لقالوا لولا فصلت ایانه‌ی آیه‌ی عجمی و عربی قل هر للذین آمروا هدی و شفاعة...) (فصل/۴۶).

سخن پایانی اینکه واقعه در قرآن نقل کلیدی را اینا می‌کند که می‌تواند به تنهایی بمالک جهان‌بیانی و جهان تکریی صاحب متن باشد. لذا گریش واژه در قرآن تکیم جهان استوار است که می‌تواند به تنهایی از از تحلیل گفتمان باشد. علاوه بر این می‌تواند بمالک آن باشد که متن قرآن در حوزه و ازگان نیز اعجاز و ازگانی دارد. این اعجاز را این بار در گریش واژه به عنوان لولر تحلیل گفتمان می‌توان پاد کرد.

مطالعه

- آشوری، داریوش، شعر و اندیشه، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- احمدی، یالک، ساختار و تأثیر متن، چاپ پنجم، نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- رکنی، محمد، القرآن، من التفسیر المعرفوthe الى تحلیل الخطاب الديني، ترجمه هاشم صالح، چاپ اول در الضلعه الطباعة والنشر، بيروت، ۲۰۰۱.
- رس، ابراهیم، دلالة الانماط، مکتبة الانجلو المصرية، قاهره، ۱۹۸۰.
- ابرونسو، توفییکو، حدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ابرونسو، توفییکو، ساختار متعابی مقاومتی احلافی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول انتشارات فرمان، ۱۳۷۸.
- الطاھي، بدر الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تماض الآی و السور، دار الكتاب الاسلامی، قاهره، ۱۳۷۸.
- المر، فرانک، تکالیع تاریخ به معاشران، ترجمه کوروش صفوی، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۶۶.
- الحجاج، عبدالرحمن، النافع الحدبی فی الدرس القراءی، الطبعه الاولی، مدارک، بروت، ۲۰۱۱.



Islamic Studies

Qur'anic & Hadith Studies

A Research Journal of

The Faculty of Theology and Islamic Studies

Issue 89, autumn & winter 2012-2013

ISSN 2008-9120

License Holder

Ferdowsi University of Mashhad

Editor-in- chief

Prof. S.K. Tabatabā'i

Editorial Board

Dr. M. 'Iravani

Associate Prof. of Ferdowsi Univ of Mashhad

Dr. Sayyid Muhammad Baqir Hejjati

Prof. of University of Tehran

Dr. Sayyid Kázim Tabatabá'i

Prof. of Ferdowsi Univ of Mashhad

Dr. Sayyid Riza Mu'ddab

Prof. of University of Qum

M. A. Mahdavi Rad

Assistant Prof. Univ. of Tehran(Qum branch)

Dr. F. najarzadegan

Associate Prof. of Universityof Tehran

Muhammad Va'iz zadeh Khurasani

Prof. of Ferdowsi Univ.of Mashhad

Translation of Abstracts

A. Rezvani

Printing & Binding: Ferdowsi Universe
Press

Circulation: 500

Price: Rls 10000

Address:

Faculty of Theology
University Campus
Azadi Sq.
Mashhad – Iran

Post Code: 9177948955

Tel: (+98511) 8834909

Fax: (+98511) 8834909

مطالعات اسلامی - علوم قرآن و حدیث

حلیل، عبدالرحمن، «المفاهیم و المصطلحات التربیة»، مقاربة منهجية، مجلة اسلامیة المعرفة، شماره

۸۲

۲۰۱۴، ۳۵.

الخوارزی، عین، «تاریخ تجدید»، مجموعه تاریخ شماره ۱۱، الهیة البصریة العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۰.

دایان مک، دالل، مقدماتی بر تفسیر عائی گفتمان، ترجمه حسن سوادی، چاپ اول فرهنگ گفتمان

۱۳۸۸.

زرکش، بدر الدین، «البحر المحيط في أصول الفقہ»، تحقیق عبد القادر العانی و عمر سلیمان الاشقر، وزارت الاعواف، دار المفدو، کوبیت ۱۹۹۷.

شحرور، محمد، «الكتاب والقرآن»، قراءة معاصرة، الطبعة الاولى، دار الأهلی، دمشق، ۱۹۹۰.

مقناح، محمد المفاهیم معاشر: تحریر ثابویل واقفی، الدار البيضاء، المركز النقائی المرس، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۹۹۹.

۱۳۹۰.

مقناح، محمد، «پایایة النص»، تفسیر و تجارت، الطبعة الثانية، الدار البيضاء، المركز النقائی (عربي)، بیروت، ۱۹۹۹.

۱۳۹۷.

مبار، سارا گفتمان، ترجمه فتح محمدی، چاپ دوم، نشر هزاره سوم، ۱۳۸۶.

نصری، عبدالله، راز حق، چاپ اول مرکز مطالعات و انتشارات افکار توسعه، ۱۳۸۱.

وینکووسکی، لویسونوویچ، «لذکر و زیارت»، ترجمه بهروز عربد فتری و ساریام صادقی، انتشارات نسما،

۱۳۹۷.

پورگیسن، ماریان، فلیپین، لوبنیز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول نشر نی، تهران.

۱۳۹۷.